



عکس تزئینی است

شهربانو

۲شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۳

(۳)



مهتاب
علی نژاد
دکترای
جامعه شناسی

هنگامه

جدی گرفتن نبود قانون‌های حمایتی!

چرا زنان خانه‌دار نیازمند حمایت قانونی کارآمد هستند؟

دلهره‌هایشان پایان نداشت. آمده بودند در فضای باز پارک بانوان کمی خستگی بگیرند و همدلی کنند اما حتی هوای تازه پاییز هم مانع از کم‌رنگ شدن دغدغه‌های ذهنی‌شان نمی‌شد. جوان و میان‌سال بودنشان انگار تفاوتی در شرایطشان نداشت. رنج مشترک بود. هراس از روزهای پیش رو، هراس از بیماری، طلاق، جدامانگی و همه این‌ها بدون پشتوانه مالی و حمایت اقتصادی. از حرف‌هایشان و نصیحت‌ها و پیشنهادهایی که به یکدیگر می‌دادند مشخص می‌شد تا چه اندازه از بحران‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی‌ای که بر زندگی‌های خانوادگی‌شان سایه انداخته بودند بیمناک و مستأصل‌اند. با این حال، جنس استیصال‌شان متفاوت از دغدغه‌مندی‌های قدیمی زنان و مادران بود. آنچه از گفت‌وگوهایشان برمی‌آمد این بود که این دغدغه‌مندی‌ها با توجه به شرایط فعلی زندگی، به‌روز شده‌اند و در کنار نگرانی برای خانواده، متوجه نگرانی برای خودشان نیز هستند. ذهن آنان درگیر یک «چه خواهیم کرد؟» عمیق بود: اگر زندگی خانوادگی را از دست بدهیم، اگر بیمار شویم و اگر تنها بمانیم، بدون هیچ مزایای حمایتی مالی، چه خواهیم کرد؟!

➤ هراس‌های زیست اجتماعی‌تان را ریشه‌یابی کنید

امروزه مشکلات در زندگی خانوادگی بسیار بیشتر از گذشته است. خطر ازهم‌گسیختگی‌های عاطفی و به‌بن‌بست رسیدن زندگی مشترک به دلیل شرایط کنونی جامعه چه از منظر بحران‌های اقتصادی و چه آسیب‌های ناشی از فراگیری ارتباطات بین‌فردی از طریق فضاهای مجازی خانواده‌ها را از بابت دوام کانون خانواده تهدید می‌کند. اگرچه شایسته نیست نگاهی بدبینانه یا نومیدانه به امکان حل تعارضات درون خانوادگی به‌ویژه تعارض‌های میان همسران داشت اما در کنار تلاش برای افزایش مهارت‌های ارتباط مؤثر با دیگری که مهارتی بسیار ضروری برای حفظ پیوند و کانون خانواده در زندگی امروز است، شایسته است چشم‌ها را بر واقعیت‌های اجتماعی موجود نبندیم. با شناخت صحیح و نگاه دقیق به مسائل اجتماعی در سطح جامعه و خانواده است که شناخت به‌موقع مسئله‌های موجود ممکن می‌شود و می‌توان راهکاری به‌هنگام برای حل مسائل و جلوگیری از گسستن پیوند افراد از یکدیگر چاره‌جویی و اجرایی کرد. بیماری‌های جسمی را در نظر بگیرد. زمانی که با دقت در عملکرد روزانه بدن خود، نشانه‌های غیرمعمولی را که در کارکرد بدن بروز می‌کنند در همان ابتدا شناسایی و برای تشخیص به‌پزشک مراجعه می‌کنید، بیماری احتمالی‌ای که در حال شکل‌گیری یا در مراحل اولیه خود در بدنتان است، با تشخیص به‌موقع به‌سرعت درمان می‌شود و از پیشرفت عارضه و درگیر شدن عضو آسیب‌دیده به شکل جدی پیش‌گیری می‌شود. درباره سلامت روان نیز همین فرایند صادق است. ذهن ابزار تصمیم‌گیرنده در مراودات اجتماعی شماست، خواه این مراودات در اولین کانون اجتماعی یعنی خانواده باشد، خواه در اجتماع بزرگ‌تر، یعنی جامعه. زمانی که افراد به نارضایتی از زندگی خود واقف شوند، چنانچه همان ابتدای احساس نارضایتی به‌جست‌وجوی چرایی و چگونگی شکل‌گیری نارضایتی‌شان اقدام کنند، چه بسا بتوانند با شناخت بهنگام و کمک گرفتن از درمانگر اجتماعی یا روان‌شناس، از پیشرفت احساس نارضایتی که به بیماری‌های ذهنی نظیر افسردگی و اقدام‌های بی‌رونی نظیر گسستن پیوندهای عاطفی و اجتماعی در درون خانواده یا با اطرافیان منجر می‌شود جلوگیری کنند. به‌طور معمول کشف

➤ امنیت فکری زنان مستلزم همراهی نهادهای قانون‌گذار است

وسعت یافتن بحران‌های جامعه به‌ویژه بحران‌های اقتصادی و ارتباطی، تأثیر بسیاری بر خانواده می‌گذارد. در این میان، زنان شاغل که از شغل‌هایی تضمین‌شده مانند کارمندی و مزایای بازنشستگی برخوردار هستند، به واسطه امنیت فکری نسبی‌ای که برای تأمین هزینه‌های خوراک و مسکن خود دارند، در مقایسه با زنان خانه‌دار، از اضطراب اجتماعی بقا کمتر رنج می‌برند. این در حالی است که زنان خانه‌دار به واسطه نبود حمایت‌های قانونی کارآمد مانند داشتن حقوق ماهیانه مشخص که بر اساس آن بتوانند برای زندگی فردی‌شان برنامه‌ریزی کنند یا اعتماد به نفس لازم را برای تجربه حس تأمین خود داشته باشند، از هراس‌های اجتماعی نظیر طردشدگی، نبود امکان تأمین اقتصادی و در مخاطره بودن تأمین معیشت ضمن حفظ حرمت اجتماعی رنج می‌برند. این هراس‌ها افکار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ذهن آنان را درگیر اضطرابی پیوسته و استیصالی فرساینده می‌کند. این اضطراب‌ها علاوه بر سلامت روان، سلامت جسم آنان را نیز تهدید می‌کند. فقدان امنیت فکری در کنار مقایسه اجتماعی خود با دیگر زنان جامعه که شاغل هستند و بر درآمد مشخص ماهیانه و قابل برنامه‌ریزی اتکامی کنند یا زنان خانه‌دار در جوامع توسعه‌یافته که از حقوق و مزایایی مشخص و خدمات اجتماعی کارآمد برخوردار هستند، آنان را در رنجی اجتماعی و فروبرنده گرفتار کرده است. در این میان، زنان خانه‌دار بسیاری هم هستند که به دلیل آشنا نبودن با حقوق قانونی زنان در خانواده، حتی از قانون‌های کوچکی که ممکن است گریه از زندگی‌شان بکشاید ناآگاه‌اند. این ناآگاهی آنان را یکسره در استیصال روزمره می‌بلعد و پرسش «چه خواهیم شد؟» و «چه خواهیم کرد؟» را در ذهن آن‌ها به شکل دغدغه‌ای بدون راه‌حل تثبیت می‌کند. زنان خانه‌دار امروزه باید مطالبه‌گر حقوق قانونمند شده اجتماعی برای خود باشند تا بتوانند از شدت اضطراب‌های اجتماعی بر روانشان بکاهند و نهادهای قانون‌گذار را به حوزه اصلاح قانون‌های حمایتی فراخوانند.